

تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران

آیت الله عباس کعبی

عنوان پژوهش

تحلیل مبانی اصل دهم قانون اساسی

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۱۰

تاریخ: ۱۳۹۵/۰۲/۲۷



شناسنامه

عنوان:

تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران
تحلیل مبانی اصل دهم قانون اساسی
آیت‌الله عباس کعبی

تحقیق و تنقیح: مهدی عرفانیان

ویراستار تخصصی: علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۱۰

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۲/۲۷

پژوهشکده شورای نگهبان



تحليل مباني نظام جمهوری اسلامی ایران

تحليل مباني اصل دهم قانون اساسی

فهرست مطالب

مقدمه	۳
مبحث اول: مفهوم خانواده و جایگاه آن در اندیشه‌ی اسلامی	۶
مبحث دوم: وظایف دولت در قبال نهاد خانواده	۱۵
گفتار اول: تنظیم قوانین و مقررات بر پایه‌ی اخلاق و حقوق	۱۶
گفتار دوم: حمایت از نهاد خانواده	۱۸
بند اول: برداشتن موانع ازدواج و تسهیل تشکیل خانواده	۱۸
بند دوم: فراهم آوردن مقدمات ازدواج آسان	۲۰
گفتار سوم: پاسداری از قداست خانواده	۲۳
گفتار چهارم: استحکام بخشیدن به نهاد خانواده	۲۶
جمع‌بندی بخش سوم	۲۸

اصل دهم

از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

مقدمه

خانواده از ارکان اساسی و بنیادین جامعه و اولین شالوده ی حیات جمعی است و موجب استمرار و بقای نوع بشر می شود و وظایف متعددی مانند فعالیت های اقتصادی، تربیتی و اجتماعی را بر عهده دارد. اهمیت خانواده و محوریت آن در شکل گیری زندگی اجتماعی بشر همواره به گونه ای بوده است که هیچ یک از مکاتب سیاسی، اجتماعی، فلسفی و نیز بنیادهای فکری از پرداختن بدان دریغ نورزیده اند و در هیچ عصری انسان از اندیشیدن در اصول و قواعد و نحوه ی استحکام بخشیدن به ارکانش بی نیاز نبوده است.

خانواده در طی تاریخ بشر کارکردهای متفاوت و گوناگونی داشته است؛ از کارکردهای مهم خانواده در عرصه ی اجتماعی انتقال ارزش ها، هنجارها و میراث فرهنگی جامعه است. خانواده در زمره ی عمومی ترین سازمان های اجتماعی است و براساس ازدواج دو جنس مخالف شکل می گیرد و کارکردهای گوناگون اجتماعی، حقوقی، روانی، اقتصادی، تربیتی و... دارد.

از جمله کارکردهای خانواده، کارکرد اجتماعی آن است؛ در این مورد باید گفت به لحاظ اجتماعی چنانچه فردی تحت صیانت و تربیت همه جانبه ی محیط خانواده قرار گیرد، این مهم خدمتی بزرگ به شمار می رود و آن شخص در زندگی مستقل خود در آینده - که طبعاً خارج از خانه شکل می گیرد- از هر گونه خطری اعم از خطرهای اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و غیره در مصونیت قرار خواهد گرفت. همچنین تشکیل نهاد خانواده ضمن اینکه موجب آسایش و آرامش انسان و موجب دلبستگی بیشتر به حیات اجتماعی خواهد شد، موجب می شود رابطه ی جنسی و توالد و تناسل در آن منظم و براساس صحیح استوار باشد؛ در غیر این صورت جامعه ای که رابطه ی جنسی در آن آزاد و بی بندوبار باشد، با فساد و تباهی دست به گریبان خواهد بود.

علاوه بر کارکرد اجتماعی، اهمیت نهاد خانواده را می توان از ابعاد و زوایای مختلف دیگر نیز واکاوی کرد؛ به لحاظ سیاسی خانواده در حفظ و گسترش قدرت ملی نقش مؤثری ایفا می کند، به طوری که رابطه ی نزدیک و تنگاتنگی بین هویت

ملی،^(۱) قدرت ملی و خانواده وجود دارد و سستی و تباهی خانواده‌ها انحطاط جامعه و ملت را در پی خواهد داشت. در این زمینه ژوسران دانشمند بزرگ فرانسوی می‌گوید: تاریخ به ما می‌آموزد که تواناترین ملت‌ها مللی بوده‌اند که خانواده در آن‌ها قوی‌ترین سازمان را داشته است و نیز تاریخ از سستی روابط خانوادگی در دوره‌های انحطاط خبر می‌دهد. به‌طور معمول در کانون خانوادگی است که نخستین آثار بدی و انحطاط پدید می‌آید، پیش از آنکه در سازمان گسترده‌تر و تواناتر دولت ظاهر شود.^(۲)

به لحاظ مسائل تربیتی، خانواده از موضوعات مهم و حساسی است که با زندگی تمام مردم و سرنوشت آنان ارتباط تنگاتنگی دارد و هرگز نمی‌توان آن را در ردیف قضایای ثانویه و غیرضرور قرار داد. خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیتی است که انسان را تحت تأثیر قرار داده و شاکله‌ی تربیتی وی را سامان می‌دهد و از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌های رحمت و مودت است که به‌دلیل مناسبات و روابط ویژه‌ی عاطفی، پایدارترین تأثیرات روحی، اخلاقی و رفتاری را در ساختار تربیتی انسان به‌جای می‌گذارد. علاوه بر این، براساس تعالیم اسلامی می‌توان ریشه‌ی عدالت اجتماعی و کارایی و مسئولیت‌پذیری در جامعه را در روش‌های تربیتی که در خانه شکل گرفته است دانست؛ به‌طوری‌که مسئله‌ی روش‌های تربیتی در واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی همواره مورد توجه عمیق بزرگان دین بوده است.^(۳)

خانواده در زمینه‌ی اقتصادی نیز نقش مهمی در طول تاریخ ایفا کرده است، به‌طوری‌که در قدیم واحدهای کشاورزی، بازرگانی و صنایع دستی از اعضای خانواده

۱. در این زمینه یکی از صاحب‌نظران می‌نویسد: خانواده را نمی‌توان در ردیف اداره‌ی آبیاری یا ثبت اسناد، نوسازی کرد و نمونه‌ی غربی بر آن برگزید و دگرگون ساختن آن با از دست دادن هویت ملی همراه است، به‌ویژه اگر بنیان خانواده جنبه‌ی مذهبی و روحانی داشته باشد؛ چنانکه در جامعه‌ی ما نیز چنین است این مسخ ملی آشکارتر می‌شود؛ زیرا دریغ است که روابط زن و شوهر و مادر و فرزند را به‌جای اخلاق و سنت‌های مذهبی، قوانین اداره‌کننده (کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران، دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲).

۲. صفایی، سید حسین، مختصر حقوق خانواده، تهران، دادگستر، ۱۳۷۶، ص ۱۳.

۳. برای نمونه یکی از روایاتی که به اهمیت تربیت خانوادگی در امر حکمرانی اشاره دارد این بخش از فرمان حکومتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک است که می‌فرمایند: «ثم الصق بذوی المروءات و الاحساب و اهل البیوتات الصالحه» ای مالک با کسانی هم‌نشینی کن که دارای خانواده‌های شریف هستند و در خانه‌هایی پرورش یافته‌اند که صلاحیت و شایستگی را به‌همراه دارند و دارای سوابق نیکو می‌باشند. (نهج‌البلاغه نامه‌ی ۵۳).

تشکیل می‌شدند و بدین‌سان خانواده نقش خود را در گرداندن اقتصاد جامعه ایفا می‌کرد و امروزه نیز با وجود تشکیل بنگاه‌های اقتصادی بزرگ، ارزش خود را در این زمینه به‌طور کامل از دست نداده است.^(۱)

توجه به اهمیت و جایگاه نهاد خانواده در اسناد و قوانین بین‌المللی نیز اهمیت فراوانی دارد و مطابق اصل ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی، خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است.^(۲) در ماده‌ی ۱۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نیز ضمن بیان لزوم تشکیل خانواده و حمایت از آن، ازدواج و تشکیل خانواده حق مسلم همه‌ی انسان‌ها بدون هر گونه محدودیت به‌واسطه‌ی نژاد، مذهب و... دانسته شده و بر تقویت و حمایت از آن - به‌عنوان نهادی که سنگ بنای هر جامعه است - به طرق مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی تأکید شده است.^(۳)

افزون بر اسناد و حقوق بین‌المللی، در حقوق داخلی نیز خانواده اهمیت و جایگاه رفیعی دارد و علاوه بر حقوق خصوصی، منافع و کارکردهای فراوان خانواده در عرصه‌های اجتماعی سبب شده است خانواده به‌عنوان یکی از موضوعات اصلی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران - بر خلاف سایر نظام‌های حقوقی - مطرح باشد. قانون اساسی، با تأکید بر اهمیت جایگاه نهاد خانواده و نقش ویژه‌ی آن، از خانواده به‌عنوان واحد بنیادی جامعه‌ی اسلامی یاد کرده است. مقدمه‌ی قانون اساسی در این خصوص بیان می‌دارد: «خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و

۱. صفایی، مختصر حقوق خانواده، همان، ص ۱۵.

۲. بند ۱ ماده‌ی ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی: «خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد». همچنین در اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر که در اجلاس وزرای خارجه‌ی کشورهای اسلامی در مرداد ۱۳۶۹ (اوت ۱۹۹۰) در قاهره برگزار شد آمده است: «خانواده پایه ساختار جامعه است. جامعه و دولت موظف‌اند موانع را از جلوی راه ازدواج (جهت تشکیل خانواده) بردارند و راه‌های آن را آسان سازند و از خانواده حمایت به‌عمل آورند».

۳. در این اعلامیه چنین آمده است: مردان و زنان بالغ، بدون هیچ‌گونه محدودیتی به حیث نژاد، ملیت، یا دین حق دارند که با یکدیگر ازدواج کنند و خانواده‌ای بنیان نهند. همه سزاوار و محق به داشتن حقوقی برابر در زمان ازدواج، در طول زمان زندگی مشترک و هنگام فسخ آن هستند. عقد ازدواج نمی‌بایست محقق شود مگر تنها با آزادی و رضایت کامل همسران که خواهان ازدواج‌اند. خانواده یک واحد گروهی طبیعی و زیربنایی برای جامعه است و سزاوار است تا به‌وسیله‌ی جامعه و «حکومت» نگاهداری شود.

رشدیابنده‌ی انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است، زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت «شیء بودن» و یا «ابزار کار بودن» در خدمت اشاعه‌ی مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه‌ی خطیر و پراراج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسؤولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود. با توجه به اهمیت فوق‌العاده‌ی ازدواج و تشکیل خانواده در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره و همچنین اهتمام ویژه‌ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۰ به این مسئله، در ادامه مبانی نظری تشکیل خانواده در دین مبین اسلام بررسی می‌شود.

مبحث اول: مفهوم خانواده و جایگاه آن در اندیشه‌ی اسلامی

خانواده در زبان فارسی به معنای اهل خانه، اهل البیت، خاندان و تیره و مجموعه افراد دارای پیوند سببی که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند آمده است.^(۱) مترادف واژه‌ی خانواده در زبان عربی «الاسره» است که این واژه در معانی متفاوتی بیان شده است؛ ابن‌منظور در معنای این واژه، خانواده را سپر آهنین و برای مرد نیروی مطمئن معنا کرده است: «خانواده همان عشیره و خاندان او است، زیرا که با ایشان قدرتمند می‌شود».^(۲) از واژگان مترادف دیگر خانواده در زبان عرب می‌توان به عائله، عشیره، اهل، اهل بیت، قبیله و آل اشاره کرد.^(۳) در قرآن کریم نیز واژه‌ی خانواده استعمال شده است؛ نزدیک‌ترین واژه‌ی قرآنی برای خانواده «اهل» است که به‌صورت مضاف برای خاندان حضرت ابراهیم علیه السلام^(۴) و خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله^(۵) به کار رفته است.

۱. دهخدا، لغت‌نامه، همان، مدخل خانواده؛ معین، فرهنگ فارسی، همان، مدخل خانواده.
۲. ابن‌منظور، محمدبن مکرم، لسان‌العرب، بیروت، دارصادر، ج سوم، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۹.
۳. باید گفت شایع‌ترین این معادل‌ها برای خانواد در عربی امروز دو واژه‌ی اسره و عائله است، به‌طوری‌که در تألیفات حقوقی عربی راجع به حقوق خانواده، بیشتر از ترکیب فقه‌الاسره و در مواردی نیز فقه‌العائله استفاده می‌شود.
۴. «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»؛ «گفتند: آیا از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟! این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است چراکه او ستوده و والا است» (هود: ۷۳).
۵. «لَمَّا يَرِیدُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطْهَرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.» (احزاب: ۳۳).

در کتاب‌های فقهی به واژه‌ی خانواده اشاره نشده، ولی برخی مباحث فقهی مربوط به خانواده در کتاب‌های فقهی ذیل باب «نکاح» مطرح شده است؛ چراکه مقدمات شرعی تشکیل خانواده در اندیشه‌ی اسلامی در کتاب نکاح و ازدواج مورد بحث قرار گرفته است و فقها مبتنی بر روایات به اهمیت نکاح و تشکیل خانواده اشاره کرده‌اند.^(۱) فقها نکاح را عبارت از عقد تزوج میان زن و مرد به‌کار برده‌اند که در مواردی نیز به معنای نزدیکی و وطی استعمال شده است.^(۲) همچنین در تعریف دیگری از نکاح آمده است: «نکاح عبارت است از اعتبار علقه زوجیت در ذهن که با مظهر خارجی ابراز شده است»^(۳) و به لحاظ حقوقی نکاح چنین تعریف شده است: «نکاح قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر متحد شده، خانواده‌ای تشکیل می‌دهند»^(۴).

در ادبیات حقوقی می‌توان مفهوم خانواده را در دو سطح عام و خاص مطالعه کرد؛ خانواده به معنی عام، یا خانواده‌ی گسترده عبارت از گروهی است مرکب از شخص و خویشان و همسر او، گروهی که از یکدیگر ارث می‌برند. مواد ۸۶۲ و ۱۰۳۲ قانون مدنی که طبقات اقربای سببی را بیان می‌کند، ناظر بر اعضای خانواده بدین معناست. خانواده به معنی خاص یا خانواده‌ی هسته‌ای، عبارت از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آن‌هاست که معمولاً با هم زندگی می‌کنند و تحت ریاست شوهر و پدر هستند.^(۵) البته باید گفت حقوقدانان تعاریف دیگری از خانواده ارائه کرده‌اند، به‌طوری‌که بعضی گفته‌اند: «خانواده عبارت است از: یک واحد اجتماعی که از ازدواج یک زن و یک مرد به‌وجود می‌آید و فرزندان حاصل از آن ازدواج، آن را تکمیل می‌نمایند».^(۶) بعضی دیگر

۱. برای نمونه حضرت امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «نکاح یکی از مستحبات مؤکده است و درباره‌ی آن زیاد سفارش شده است و ترکش کراهت شدید دارد، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدیث است که بیشتر اهل جهنم کسانی هستند که عذب هستند، و از حضرت صادق علیه السلام نقل است که دو رکعت نماز کسی که زن دارد از هفتاد رکعت نماز مرد عذب فضیلتش بیشتر است» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، نجات‌العباد، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۲۲ق، ص ۳۶۰).

۲. طوسی (ابن حمزه)، محمدبن علی بن حمزه، الوسيله الی نیل الفضیله، قم، کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۸۹.

۳. خویی، سید ابوالقاسم، مصباح‌الفقاهه، قم، مکتبه داورى، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۵۱.

۴. صفایی، مختصر حقوق خانواده، همان، ص ۱۳.

۵. همان، صص ۱۳ و ۱۴.

۶. طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، ۵ ج، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۴۱۸ق، ج ۳، صص ۵ و ۶.

چنین تعریف کرده‌اند: «خانواده گروهی است که به دلیل قرابت یا زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و تحت رهبری و ریاست مقامی قرار گرفته است».^(۱)

سازمان ملل متحد نیز در آمار جمعیتی خود در سال ۱۹۹۴ خانواده را چنین تعریف می‌کند: «خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره‌ای اطلاق می‌شود که با هم زندگی می‌کنند؛ درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، با هم نسبت دارند؛ در یک خانواده ممکن است یا چند خانواده زندگی کنند، تمام خانوارها، هم خانواده نیستند».^(۲)

نظام حقوقی اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت، مهد مودت و رحمت دانسته و قوانین جامعی را در این زمینه وضع کرده است. دستیابی به اهداف والای اسلام و حفظ و حراست دقیق و مستمر آن‌ها، نیازمند توجه جدی به خانواده و پیاده کردن قوانین مربوط به خانواده در اسلام است و ضروری است هم‌ی برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها در تمام سطوح، حق‌مدارانه و الهام‌گرفته از نگرش توحیدی و در راستای تعالی و مصالح خانواده باشد.

در اندیشه‌ی اسلامی با اصل و محور قرار دادن کانون خانوادگی،^(۳) جامعه‌سازی از این واحد کوچک ولی بنیادین آغاز می‌شود و در خصوص نحوه‌ی شکل‌گیری خانواده و خصایص آن در مراحل مختلف پیش از ازدواج و پس از تشکیل خانواده و ولادت فرزندان نقش عمده‌ای را در جهت تحولات بنیادین جامعه ایفا می‌کند. عظمت و اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده از دیدگاه قرآن به حدی است که در بینش الهی نباید زنی بی‌شوهر و مردی بی‌زن بماند^(۴) یا در آیه‌ی دیگر زن و مرد را

۱. همان، ج ۳، صص ۵ و ۶.

۲. به نقل از نجاریان، فرزانه، عوامل مؤثر در کارایی خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، ۱۳۷۵، ص ۱۹.

۳. «به نظر اسلام آن چیزی که اصل و محور است، تشکیل کانون خانوادگی است. از نظر اسلام، خانواده یک رکن بزرگ است. اگر باشد و سالمش باشد و تربیت درست باشد، در پیشرفت کار جامعه به‌صورتی که اسلام می‌خواهد، تأثیر زیادی دارد... این خانواده، منشأ خیراتی است. در اداره‌ی کشور و اداره‌ی انسانیت، کارهای عظیمی به عهده‌ی این خانواده است.» (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۷۰/۴/۲۰).

۴. «وَأَنْكَحُوا الْأَيَّامَ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يَغْنَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ

نسبت به یکدیگر پوششی قرار داده است که از لحاظ معنوی و حیات انسانی از بروز بسیاری از بدی‌ها و زشتی‌ها در جامعه جلوگیری کرده و حیثیت و شرف و دین و معنویت یکدیگر را حفظ می‌کنند.^(۱)

علاوه بر قرآن کریم در روایات و کلمات گهربار اهل بیت علیهم‌السلام نیز در مورد اهمیت ازدواج، بسیار سخن به میان آمده است. اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در لسان روایات به حدی است که به عنوان سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم^(۲) بالاترین فایده بعد از اسلام،^(۳) سبب ازدیاد رزق و روزی،^(۴) موجب سعادت مرد^(۵) و حافظ دین الهی^(۶) شناخته شده است. در تعالیم اسلامی علاوه بر بیان اهمیت و عظمت ازدواج و تشکیل خانواده، و در قرآن کریم و روایات به طور فراوان به اهداف و فلسفه‌ی ازدواج و تشکیل خانواده اشاره شده است؛ از مهم‌ترین اهداف و فلسفه‌ی ازدواج و تشکیل خانواده

➤ واسعٌ عَلَیْهِمْ؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است» (نور: ۳۲).

۱. «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» «زنان لباس شما هستند و شما لباس آن‌ها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید)» (بقره: ۱۸۷).

۲. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام تَزَوَّجُوا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِجَ؛ حضرت علی علیه‌السلام فرمود: ازدواج کنید که ازدواج کردن سنت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، که خود حضرت بارها فرمود: هر کسی می‌خواهد از سنت من پیروی کند ازدواج نماید؛ زیرا ازدواج کردن از سنت من است» (کلینی، الکافی، همان، ج ۵، ص ۳۲۹).

۳. «قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: ما استفاد امرؤ مسلم فائدة بعد الإسلام افضل من زوجة مسلمة تسره اذا نظر اليها، و تطيعه إذا امرها و تحفظه اذا غاب عنها في نفسها و ماله؛ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: مرد مسلمان بعد از اسلام فایده‌ای برتر از زن مسلمانی که دارای خصلت‌های ذیل است نبرده است، و آن خصلت‌ها عبارت‌اند از: در حضور شوهر باعث خوش‌حالی او بوده و اوامر او را اطاعت می‌نماید، و در خفا و غیبت شوهر، خود و اموال او را از هر جهت حفظ می‌کند» (طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، ج ۱۰، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۴۰).

۴. «اتخذوا الاهل فانه ارزق لكم؛ روزی را به وسیله‌ی زن گرفتن زیاد کنید» (همان، ج ۷، ص ۲۴۰).

۵. «قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: من سعادة المرأة الزوجة الصالحة» (کلینی، الکافی، همان، ج ۵، ص ۳۲۷).

۶. «عن ابي عبد الله علیه‌السلام قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم من تزوج احرز نصف دينه؛ امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید که: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: هر کس ازدواج کرد نصف دینش را حفظ نموده است» (همان، ج ۵، ص ۳۲۹).

که در قرآن کریم بدان اشاره شده است، تسکین و آرامش و زندگی محبت آمیز زن و مرد که در قرآن کریم از آن به عنوان رحمت یاد شده،^(۱) ازدیاد و بقای نسل،^(۲) عفت، پاکدامنی^(۳) و ... است.

با توجه اهمیت فوق العاده و جایگاه رفیع ازدواج و تشکیل خانواده در تعالیم اسلامی و منافع بی شمار آن در آیات و روایات که به آن اشاره شد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل مجزایی را به این موضوع اختصاص داده است تا این موضوع اساسی در حقوق موضوعه مورد توجه قرار گیرد و سایر قوانین و مقررات براساس این اصل تدوین شود. از این رو می توان گفت این اصل بر بسیاری از قوانین و مقررات حاکم است و نباید هیچ قانون و مقرراتی بر خلاف اصل ۱۰ قانون اساسی وضع شود و چنانچه قوانینی نیز بر خلاف آن وضع شده باشد، لازم است بازنگری شود.

مبحث دوم: وظایف دولت در قبال نهاد خانواده

چنانکه اشاره شد خانواده از نهادهای اساسی و حیاتی جامعه است؛ در توضیح بیشتر باید گفت بنیادی بودن خانواده، ثابت بودن، مقدس بودن، فرازمانی و مکانی بودن خانواده، برتر بودن و متفاوت بودن تشکیل خانواده، سبب شده است که در نظام حقوقی برخی کشورها، ازدواج و تشکیل خانواده از موضوعاتی که صرفاً باید در حقوق خصوصی به آن پرداخته شود، خارج شده، و به دلیل منفعت عمومی^(۴)

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»؛ «از جمله آیات الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی (زن) بیافرید که در بر او آرامش یافته و با هم انس گیرید، و در بین شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود» (روم: ۲۱).

۲. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»؛ «او پدیدآورندهی آسمانها و زمین است. برای شما از جفت خودتان همسرانی قرار داد و از جنس حیوانات نیز جفت هایی آفرید تا بر شما بیفزاید و نسل تکثیر پیدا کند. همانند او چیزی نیست. او شنوای بیناست» (نساء: ۱).

همچنین در این زمینه در روایات آمده است: «تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَاتِرٌ بِكُمْ أَلَمُمْ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ»؛ ازدواج کنید زیرا من به زیادتى شما نست به امت های دیگر در قیامت مباحثات می کنم» (صدوق، ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۸۳).

۳. «تَزَوَّجْ تَسْتَعْفَّ مَعَ عَفَّتِكَ»؛ ازدواج کن تا با پاکدامنی زندگی کنی» (حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت (علیه السلام)، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۶).

۴. منفعت عمومی از مفاهیم کلیدی نظریات سیاسی و حقوق عمومی است. واژهی منفعت در لغت به معنای

فوق العاده‌ی آن - که در قسمت قبل به آن اشاره شد- به موضوعی اساسی درآید که در حوزه‌ی مسائل حقوق عمومی قرار گیرد و دولت‌ها را - بدون آنکه بحث جایگزینی دولت به جای خانواده مطرح شود^(۱)- ملزم و موظف به اقدامات حقوقی در راستای تشکیل خانواده و صیانت از حریم آن کند.^(۲) در این زمینه صاحب نظران^(۳) و قانون

سود، بهره و فایده (معین، فرهنگ فارسی، همان، مدخل منفعت) و نیز حاصل، عاید و خلاف مضرت آمده است (دهخدا، لغت نامه، همان، مدخل خانواده)، اما در اصطلاح حقوق عمومی، منفعت به شیوه‌ی غایت گرایانه و براساس جامعه‌ی هدف، تعریف می‌شود و آن را هر آن چیزی می‌دانند که همگان از آن منتفع می‌شوند. بر این اساس، منفعت عمومی عبارت است از هر نوع اقدامی که موجب ایجاد منفعت و سود برای عموم شود (قاسم جعفر، محمد انس، الوسط فی القانون العام، قاهره، الدار الجامعه الجدیده، ۱۹۹۴م، ص ۸۱). برخی از استادان حقوق اداری فرانسه نیز با چنین رویکردی نفع عمومی را دربرگیرنده‌ی منافع مشترک تمام اعضای یک گروه دانسته‌اند (انصاری، ولی الله، کلیات حقوق اداری، تهران، میزان، ۱۳۸۱، ص ۸۱). همچنین برخی نویسندگان منفعت عمومی را چنین معنا کرده‌اند: «هر نوع شیء یا کاری که سود آن عائد عموم مردم گردد و یا بخشی از مردم بدون آن که خصوصیاتشان منظور گردد از آن برخوردار شوند» (عمید زنجانی، عباسعلی و ابراهیم موسی زاده، بایسته‌های فقه سیاسی، تهران، مجد، ۱۳۸۸، ص ۱۸۰). برخی دیگر نیز منفعت عمومی را هر آن چیزی می‌دانند که نیازهای مشروع شهروندان را برآورده می‌سازد (عباسی، بیژن، حقوق اداری، تهران، دادگستر، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱).

۱. سؤالی که در اینجا ممکن است مطرح شود آن است که آیا دولت می‌تواند جایگزین خانواده شود و تربیت را به جای خانواده به عهده بگیرد؟ ممکن است تصور شود که دولت با تأسیس پرورشگاه‌ها و سازمان‌های تربیتی و استخدام پرستاران و مددکاران و مربیان متخصص می‌تواند تربیت کودکان را عهده‌دار شود و بدون نیاز به خانواده آنان را چنانکه باید پرورش دهد و از آنان افرادی مفید و خدمتگزار جامعه بار آورد. ولی این پندار درست نیست، زیرا اگر دولت بتواند با سازمان‌های مجهزی که در اختیار دارد احتیاجات مادی کودکان را برآورد، در تأمین نیازهای معنوی آنان ناتوان خواهد بود. کودک به محبت نیاز دارد و هیچ سازمانی هر قدر مجهز باشد، مانند خانواده نمی‌تواند این نیاز را برآورده کند و هیچ قانونی مانند خانواده نمی‌تواند این نیاز را برآورده کند و در رشد عواطف و احساسات و حتی نیروی عقلی طفل نقشی را که شایسته و بایسته است ایفا کند (صفایی، مختصر حقوق خانواده، همان، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

۲. ماده‌ی ۷ اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر اسلامی سال ۱۹۹۰ مقرر داشته است: «هر کودکی از هنگام تولد، حقوقی بر گردن والدین، جامعه و دولت در محافظت و تربیت و تأمین نیازمندی‌های مادی و بهداشتی و تربیتی خود دارد».

۳. مرحوم علامه جعفری در این زمینه می‌گوید: «خانواده، رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود» (جعفری، محمدتقی، رسائل فقهی، تهران، مؤسسه‌ی منشورات کرامت، ۱۴۱۹ق، ص ۱۶۴).

اساسی جمهوری اسلامی ایران^(۱) از این واقعیت غافل نمانده و دولت را موظف به اقدامات حقوقی مرتبط با خانواده کرده‌اند. پاسداری از قداست خانواده، استواری و استحکام بخشی خانواده و حمایت از نهاد خانواده، از جمله وظایفی است که دولت ملزم به تحقق آن می‌باشد.

گفتار اول: تنظیم قوانین و مقررات بر پایه‌ی اخلاق و حقوق

براساس اصل ۱۰ قانون اساسی، نخستین وظیفه‌ی دولت تنظیم قوانین و مقررات خانواده بر پایه‌ی اخلاق و حقوق اسلامی است. در این مورد باید گفت قواعد حاکم بر خانواده آمیزه‌ای است از حقوق و اخلاق، از آنچه هست و از آنچه باید باشد. نویسنده‌ی حقوق همین که به خانواده می‌رسد، فئونی را که از پیش آموخته است نارسا و پای استدلالیان را چوبین می‌بیند. حق نیز همین است، زیرا به‌دشواری می‌توان عواطف انسان و بازتاب‌های طبیعی او را در قالب قواعد حقوقی محصور کرد.^(۲)

واژه‌ی اخلاق جمع خلق و در لغت به معنای «عادت، طبع و سنجیه» است^(۳) و در اصطلاح اخلاق عبارت است از ملکه‌ای نفسانی که موجب صدور افعال به‌آسانی و بدون نیاز به تفکر و تأمل می‌شود و ملکه، کیفیتی است نفسانی که دیر و به‌کندی، زوال می‌پذیرد.^(۴) اهمیت فضایل و مکارم اخلاقی به اندازه‌ای است که بدون اخلاق و تزکیه‌ی نفس، نمی‌توان مردم را به اجرای حقایق، عمل به فرایض و رعایت حقوق وادار کرد. آنان که آراسته به مکارم اخلاقی نیستند، نمی‌توانند با ارزش‌ها، هنجارها و احکام دینی پیوند داشته باشند و ارتباط با همه‌ی این حقایق در سابه‌ی تواضع، خشوع و انصاف میسر است. از این رو پیامبر گرامی اسلام ﷺ هدف بعثت خود را کامل کردن ارزش‌های اخلاقی اعلام می‌کند.^(۵)

رعایت اصول اخلاقی در خانواده بدان سبب اهمیت دارد که از یک سو طبیعت

۱. اصل ۱۰ قانون اساسی.
۲. کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، همان، ص ۱۴۰.
۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۵۱.
۴. نراقی، ملامهدی، جامع السعادات، تصحیح و تعلیق سید محمد کلانتر، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چ چهارم، بی‌تا، ص ۵۵.
۵. «أَنِّي بُعِثْتُ لَأَتِمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ من فقط برای کامل کردن مکرمات‌ها و ارزش‌های اخلاقی به پیامبری برانگیخته شدم» (نوری، محدث حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسة آل‌البیت ﷺ، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۸۷).

خانواده با احکام آمرانه سازگاری ندارد و ما باید امروز توجه داشته باشیم که اگر به جای جریان سنت‌های حسنه و ایجاد روابط مرضیه فقط از ابزار حقوق استفاده کنیم، بنای خانواده را از درون تهی کرده‌ایم و زن و مردی را که انس و الفت متقابل را پایه‌ی زندگی خویش قرار داده‌اند، همچون دو مدعی و متخاصم در مقابل یکدیگر قرار می‌دهیم.^(۱) از سوی دیگر، حقوق وسیله‌ی تنظیم قواعد حاکم بر خانواده را ندارد؛ زیرا آنچه در خانواده می‌گذرد از خصوصی‌ترین و عاطفی‌ترین چهره‌های زندگی است؛ نه شاهدی برای رفتار ناهنجار می‌توان آورد و نه ضابطه‌ی دقیقی برای ارزیابی سلوک همسران به‌دست داد. پس ناچار به وضع قواعدی مبهم مانند لزوم همکاری زن و شوهر و رفتار عادلانه با همسران می‌پردازد و تعیین مصداق‌های همکاری و عدالت را به عرف و اخلاق وا می‌گذارد.^(۲)

اگرچه آشنایی و روشننگری نسبت به حقوق و آگاهی از وظایف ممدوح و پسندیده است، به‌دلیل ناتوانی حقوق در برپایی فضایل اخلاقی^(۳) که موجب استواری و استحکام نظام خانواده است، این نهاد مقدس به چیزی بیشتر از حقوق نیازمند است و شرط سلامت زندگی مشترک مرد و زن رهایی از غلاف خودنگری است و اساس یک پیوند سالم مبتنی بر اصول اخلاقی همچون دیگرخواهی، فداکاری و رعایت مصالح مشترک است.^(۴)

۱. در این صورت آن گاه است که زن و شوهر چون دو مدعی در برابر هم ظاهر می‌شوند: زن در برابر اداره‌ی منزل از شوهر دستمزد می‌خواهد و بسان سایر مزدوران، کارشکنی و اعتصاب می‌کند؛ شوهر نیز در برابر پولی که می‌دهد سروری و حکومت می‌خواهد و گاه نیز با پیروی از الگوی غربی، معشوقه داشتن را حق خود می‌داند. کودکان در میانه‌ی نزاع یا به‌حساب نمی‌آیند یا وسیله‌ی تهدید و ارباب می‌شوند (کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، همان، ص ۱۴۳).

۲. همان، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۳. حقوق نمی‌تواند از کسی انتظار فداکاری داشته باشد، به ساختن انسانی منظم و غیرمتجاوز قانع است و عدالت را در این می‌بیند که هر کس به حق خویش برسد. ولی خانواده به چیزی بیش از این‌ها نیاز دارد. فداکاری و غیرخواهی شرط نخست و سنگ زیرین این بناست... همچنان‌که مادر و پدر دلسوز در راه سعادت فرزندان از خود می‌گذرند و آنچه را نمی‌بینند چند و چون کار خویش است... ولی آیا حقوق می‌تواند تا این اندازه در تنظیم روابط اشخاص پیشروی کند و آیا وسایل آن را دارد که جمعی را وادار به چنین اتحادی کند. (همان، ص ۱۴۳).

۴. میرخان، عزت‌السادات، «تأکید بر اخلاق، تلطیف در حقوق دو ضرورت ناگسستگی خانواده»، مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۷۷، ش ۲، ص ۲۸.

از جمله اصول اخلاقی حاکم بر روابط خانوادگی به منظور تحکیم پیوند خانوادگی براساس قرآن و روایات می توان به مودت و مهربانی،^(۱) حسن معاشرت زن و مرد،^(۲) احترام،^(۳) ابراز محبت لسانی،^(۴) صلح و سازش^(۵) و... اشاره کرد.

افزون بر این، اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت اسلامی را موظف کرده است تا علاوه بر اخلاق، قوانین و مقررات خود را بر پایه‌ی حقوق تنظیم کند. از نظر اندیشمندان علم حقوق، نقش حقوق را در تنظیم خانواده نباید انکار کرد، زیرا هستند کسانی که جز به زور به هیچ منطقی تسلیم نمی شوند و درباره‌ی اینان تنها حقوق می تواند حداقلی از نظم و عدالت را مستقر سازد، ولی آنچه گاه از نظرها دور می ماند این است که آخرین و ناقص ترین حربه را نباید جایگزین نظام اصلی خانواده کرد و بدین دل داشت که قانونگذار برابری و عدالت را مستقر سازد. این درست بدان می ماند که ادعا شود شهربانی، جامعه را بی نیاز از دانشگاه می سازد یا پادشاهان

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ «و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.» (روم: ۲۱).

۲. «وَ عَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُحِبَّ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»؛ «و با آنان، به طور شایسته رفتار کنید! و اگر از آن ها، (بجهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد.» (نساء: ۱۹).

۳. «من اتخاذ زوجه فلیکرهما؛ هر کسی که زن بگیرد باید او را گرمی بدارد» (حر عاملی، وسائل الشیعه، همان، ج ۵، ص ۶۱).

۴. «قول الرجل للمراه انی احبک لایذهب من قلبها ابد! مرد وقتی که به زنش بگوید دوست دارم، این سخن هرگز از دل او نمی رود» (کلینی، الکافی، همان، ج ۵، ص ۵۶۹).

۵. «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَغْلِهَا ثُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»؛ «و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از پاره‌ای از حقوق خود، بخاطر صلح، صرف نظر نمایند) و صلح، بهتر است اگرچه مردم (طبق غریزه‌ی حب ذات، در این گونه موارد) بخل می ورزند. و اگر نیکی کنید و پرهیزکاری پیشه سازید (و به خاطر صلح، گذشت نمایید، خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد).» (نساء: ۱۲۸).

می توانند به جای پیامبران بنشینند.^(۱)

در نظام حقوقی اسلام، تقسیم حقوق و تکالیف به موازات علایق و با در نظر گرفتن تمامی روحیات و شرایط و توجه به توانمندی‌ها و خصایص انجام گرفته و بر پایه‌ی صیانت از ارزش‌ها در زندگی و حفظ نظم و تقویم در این هسته‌ی مرکزی شکل می‌گیرد و وجود بعضی از تفاوت‌ها در حیطه‌ی انجام وظایف و اداره‌ی کارها، نه تنها دلیل عدم همسویی و تبعیض نیست، بلکه همه در راستای قوام بخشیدن و قانونمند ساختن زندگی بشر و به لحاظ ارزیابی دقیق جایگاه هر یک از افراد خانواده نسبت به مسئولیت خویش است و حاصل این امر عین عدالت و قسط است، زیرا در یک مجموعه‌ی هماهنگ هیچ‌گاه همه‌ی اعضا نمی‌توانند مسئولیتی همانند و مشابه داشته باشند، بلکه نظم و قانونمندی زمانی شکل می‌گیرد که هر یک از اعضا و اجزای مجموعه در جایگاه خاص خود و به تناسب مهارت و موقعیت خویش ایفای وظیفه کنند.^(۲)

از جمله‌ی این حقوق و تکالیف که در منابع اسلامی تأکید شده و لازم است قوانین موضوعه و سایر مقررات مرتبط با حقوق زن و مرد براساس آن تنظیم شود و در صورت عدم رعایت آن از جانب یکی از طرفین، می‌توان اعمال حاکمیت کرد،^(۳) نفقه،^(۴)

۱. کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، همان، صص ۱۴۳ و ۱۴۴.

۲. میرخانی، «تأکید بر اخلاق، تلطیف در حقوق دو ضرورت ناگسستنی خانواده»، همان، ص ۲۷.

۳. البته باید تصریح کرد به اعتراف غالب حقوق‌دانان بزرگ و اندیشمندان، حقوق صرف و اعمال حاکمیت نسبت به تحقق ضوابط حقوقی در کانون خانواده، پیوسته با موانع روبه‌رو بوده و نفوذ و رخنه‌ی حاکمان و دولتمردان در این سرای خاص اغلب زیانبار و غیرمؤثر بوده است، زیرا این‌جا خصوصی‌ترین و عاطفی‌ترین جلوه‌های زندگی حضور دارند و دروازه‌های این قلعه که مأمن اولیه‌ی انسان‌هاست به‌سوی قواعد اخلاقی گشوده‌تر از قوانین حقوقی بوده، لذا بزرگان عالم دین و سیاست بین تدبیر منزل و سیاست مدن همواره تفکیک قائل شده‌اند و مرز بین این دو را پیوسته حرمت نهاده‌اند. (میرخانی، «تأکید بر اخلاق تلطیف در حقوق دو ضرورت ناگسستنی خانواده»، همان، ص ۲۷).

۴. وجوب پرداخت نفقه زن از سوی شوهر از مسلمات فقه و حقوق اسلامی است و زن از این نظر هیچ مسئولیتی ندارد، حتی اگر خود قادر به تأمین هزینه‌های زندگی خود باشد. این حکم مبتنی بر آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷ سوره‌ی طلاق و همچنین احادیث متواتری از معصومین علیهم‌السلام است. از قبیل روایت اسحاق بن عمار از امام صادق علیه‌السلام: «حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا - أَلَدَى إِذَا فَعَلَهُ كَانَ مُحْسِنًا قَالَ يَشْبَعُهَا وَ يَكْسُوَهَا - وَإِنْ جَهَلَتْ غَفَرَ لَهُ» مرد باید شکم زن را سیر کند و بدن او را بپوشاند و چنانچه زن مرتکب جهالتی شده او را ببخشد. (حر عاملی، وسائل الشیعه، همان، ج ۲۰، ص ۱۶۹).

معاشرت نیکو،^(۱) مهریه،^(۲) تمکین از شوهر در امور زناشویی،^(۳) اطاعت،^(۴) سرپرستی خانواده توسط خانواده^(۵) و امانتداری^(۶) است. البته برخی حقوق در حوزه‌ی مباحث حقوق خانواده وجود دارد که با اینکه در حوزه‌ی اخلاق قرار دارد، رعایت آن موجب استحکام بنیان خانواده خواهد شد.^(۷)

۱. «وَ عَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرٌ كَثِيرًا»؛ «و با آنان، به‌طور شایسته رفتار کنید! و اگر از آن‌ها، (بجتهی) کراهت داشتید، (فوراً) تصمیم به جدایی نگیرید! چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد.» (نساء: ۱۹).

۲. «وَ أَتَوُا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ حَلَّةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيًا»؛ «و مهر زنان را (به‌طور کامل) به‌عنوان یک بدهی (یا عطیه)، به آنان بپردازید! (ولی) اگر آن‌ها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید.» (نساء: ۴).

۳. عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک‌الافهام، قم، المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۳۰۸.
۴. طوسی، محمدبن حسن، الخلاف، ج ۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۱۵.

۵. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»؛ «مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به‌خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است.» (نساء: ۳۴).

۶. «ما افاد عبد فائده خيرا من زوجة صالحة اذا رآها سرتة و اذا غاب عنها حفظتها في نفسها و ماله؛ برای بنده خدا چیزی سودمندتر از زن پارسا و شایسته نیست. هر گاه به زوجه‌اش نگاه کند، خوشحال شود و هر گاه شوهر به مسافرت رود، ناموس و مال او را حفظ کند» (کلینی، الکافی، همان، ج ۵، ص ۳۲۷).

۷. الف) حقوق والدین نسبت به فرزندان:

- قدردانی و سپاسگزاری: «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَ فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدِكَ إِلَى الْمَصِيرِ»؛ «و ما به انسان درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به‌هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد)، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت (همه شما) به‌سوی من است» (لقمان: ۱۴).

- اطاعت: «حق الوالد علی الولد ان یطیعه فی کل شیء الا فی معصیه الله سبحانه؛ فرزند باید از پدر خود در همه چیز جز معصیت خدا اطاعت کند و علاوه‌بر آن به والدین خود نیکی نماید.» (نهج‌البلاغه: کلمات قصار ۳۹۱).

- محبت و ملاطفت: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِهًا أَوَّلًا تَهْتَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»؛ «و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن‌ها، نزد تو به سن پیری

تعیین حقوق مذکور، موجب می شود روابط بر پایه‌ی ضوابط استوار پایه‌ریزی شده و مرز توقع‌ها تا حدود بسیار زیادی مشخص و معلوم شود و سبب می شود هر کس از دیگر افراد خانواده توقعی بیش از اندازه نداشته باشد. همچنین موجب می شود که هر

رسند، کمترین اهانتی به آن‌ها روا مدارا! و بر آن‌ها فریاد مزین! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آن‌ها بگو.» (اسراء: ۲۳).

- فروتنی و تواضع: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»؛ «و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده.» (اسراء: ۲۴).

- احسان به والدین: «وَاَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»؛ «و خدا را بپرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید.» (نساء: ۳۶).

ب) حقوق فرزندان نسبت به والدین:

- تغذیه‌ی حلال: «کسب الحرام یبین فی الذریه؛ لقمه حرام حتی در نسل‌های بعدی اثر نامطلوب خود را ظاهر می‌کند» (کلینی، الکافی، همان، ج ۵، ص ۱۲۵).

- گذاشتن نام نیک: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفِرَّهُ أُمُّهُ وَ يَسْتَحْسِنَ اسْمُهُ وَ يَعْلَمَهُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَطَهِّرَهُ وَ يَعْلَمَهُ السَّبَاحَةَ وَ إِذَا كَانَتْ أُنْثَى أَنْ يَسْتَفِرَّهُ أُمُّهَا وَ يَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا وَ وَ يَعْلَمَهَا سُورَةَ النُّورِ وَ لَا يَعْلَمَهَا سُورَةَ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا يَنْزِلُهَا الْغُرْفَ وَ يَجْعَلَ سَرَّاحَهَا إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا أُمَّ إِذَا سَمَّيْتُهَا فَاطِمَةَ فَلَا تَسَمَّيْهَا وَ لَا تَلْعَنُهَا وَ لَا تَضْرِبْهَا؛ حق فرزند پسر بر پدر آن است که مادرش را گرامی بدارد، نام شایسته برایش انتخاب کند، به او قرآن بیاموزد و ختنه‌اش کند و به او شنا بیاموزد و اگر دختر باشد مادرش را گرامی بدارد و نام شایسته برایش انتخاب کند و سوره‌ی نور را به او بیاموزد و سوره‌ی یوسف را برای او تشریح نکند و در ساختمان‌های که دختر می‌تواند به تماشای مردان نامحرم بپردازد، جایش ندهد و در صورت لزوم زمینه‌ی ازدواج وی را فراهم کند و اگر اسمش فاطمه باشد او را دشنام ندهد و لعن نکند و او را کتک نزند.» (طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، ج ۱۰، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۱۲).

- مهر و محبت به فرزندان: «احبوا الصبیان و ارحمهم و اذا وعدتموهم شیئا ففوا لهم لایدرون الا انکم تزرقونهم؛ کودکان را دوست بدارید و به ایشان مهر ورزید و چون به آنان وعده دادید، به وعده‌ی خود عمل کنید که آنان شما را روزی رسان خود می‌دانند» (صدوق، ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۴۸۳).

- آشنا کردن فرزندان با اسوه‌های معنوی و قرائت قرآن: «ادبوا اولادکم علی ثلاث خصال: حب نبیکم و حب اهل بیته و قرائه القرآن؛ اولاد و فرزندان خود را بر سه چیز تربیت کنید: حب و دوستی پیامبر ﷺ و اهل بیت و قرائت قرآن» (محمّدی ری‌شهری، محمد، اهل بیت در قرآن و حدیث، قم، مؤسسه‌ی علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۳۸۷، ص ۶۲۶).

کس براساس ضوابط، کار و برنامه‌ای برای خود معین کند و فراتر از آن مرز نرود و روابط خانوادگی محکم و باثبات شود. بنابراین باید گفت طبق اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، لازم است سایر قوانین و مقررات خانواده براساس اخلاق و حقوق اسلامی تنظیم و تدوین یابد و این اصل بر تمامی قوانین و مقررات سیطره دارد و حاکم بر آنهاست و به موجب اصل مذکور می‌توان قوانین عادی یا آیین‌نامه‌های مغایر با این اصل را غیرمعتبر و فاقد ارزش دانست. همچنین حاکمیت اخلاق و حقوق در مسئله‌ی خانواده به‌حدی حائز اهمیت است که سایر وظایفی که قانون اساسی در قبال خانواده برشمرده است، باید بر پایه‌ی اخلاق و حقوق بنا شود و دولت اسلامی موظف به مراعات اخلاق و حقوق در هر کدام از وظایف برشمرده در قانون اساسی است.

گفتار دوم: حمایت از نهاد خانواده

نهاد خانواده، اصیل‌ترین و طبیعی‌ترین نهاد بشری است و بر همین اساس حمایت از خانواده به‌منظور حفظ و بقای آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه‌ی اخلاق اسلامی و حقوق مورد تأکید بسیار واقع شده است. حمایت از خانواده در قانون اساسی به شیوه‌های مختلف زیر بیان شده است:

بند اول: برداشتن موانع ازدواج و تسهیل تشکیل خانواده

برداشتن موانع ازدواج و تسهیل ازدواج جوانان از جمله وظایف و تکالیف دولت در راستای حمایت از نهاد خانواده و استواری و استحکام آن است. یکی از اندیشمندان مسلمان در این زمینه می‌گوید: بر جامعه و دولت تکلیف است که هر گونه مانع را از جلوی ازدواج بردارند و طرق و وسایل آن را آسان سازند و از خانواده و رعایت آن حمایت کنند.^(۱)

از مهم‌ترین موانع پیش‌روی تسهیل ازدواج، مشکلات فرهنگی و آموزشی و پایین بودن آگاهی‌های عمومی درباره‌ی ابعاد و زوایای گوناگون ازدواج به‌خصوص جایگاه نهاد خانواده در ایجاد فضای توأم با معنویت و اخلاق در جامعه است^(۲) که در این

۱. جعفری، رسائل فقهی، همان، ص ۱۶۴.

۲. «لیکن در مورد ازدواج، من عرض کنم: عزیزان من! موانع فرهنگی ازدواج را دست کم نگیرید. ازدواج برای جوانان لازم است و جوانان هم آن را می‌خواهند. البته موانعی هم وجود دارد، ولی همه‌ی موانع، اقتصادی نیست. موانع اقتصادی بخشی از مشکل است. عمده، موانع فرهنگی است -

زمینه دولت موظف است مطابق آیات و روایات - مربوط به تبلیغ دین که در اصل ۳ قانون اساسی به تفصیل بدان پرداخته شد- و نیز اصل ۳ قانون اساسی، به تبلیغات فراگیر و صحیح آموزه‌های دین درباره‌ی ابعاد و جوانب مختلف ازدواج و تشکیل خانواده با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف به‌خصوص هنر^(۱) به‌منظور افزایش آگاهی‌های عمومی از طریق استفاده‌ی صحیح از مطبوعات و رسانه‌های جمعی و گروهی^(۲) همت گمارد. همچنین تقویت آموزش و پژوهش از طریق تأسیس یا تقویت مراکز تحقیقاتی و تعلیم و تربیت و تشویق محققان^(۳) حوزه‌ی خانواده را به‌عنوان خطوط اصلی سیاست‌های فرهنگی، آموزشی و عملی ترسیم کند.

از دیگر موانع و مشکلات تشکیل خانواده و ازدواج، موانع اقتصادی است؛ ازاین‌رو در اجرای اصل ۱۰ قانون اساسی دولت تعهدات ویژه‌ای را بر عهده دارد که تأمین نیازهای اساسی خانواده از جمله‌ی آن‌ها به‌شمار می‌رود. در این زمینه در اصول متعدد قانون اساسی تأمین نیازهای اساسی خانواده‌ها از جمله مسکن،^(۴) تأمین اجتماعی،^(۵) برطرف کردن نیازهای اقتصادی مانند خوراک، پوشاک،^(۶) اشتغال و در

عادت‌ها، تفاخرها، نکاثرها، چشم و هم‌چشمی‌ها، تجمل‌طلبی‌ها - این‌هاست که یک مقدار نمی‌گذارد آن کاری که باید انجام گیرد، صورت پذیرد. باید شما و خانواده‌هایتان این گره‌ها را باز کنید.» (بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۹).

۱. «کنونا دعاه الناس بغیر السستکم؛ مردم را به‌طور غیرمستقیم و به غیر زبان به دین خدا دعوت کنید.» (کلینی، کافی، همان، ج ۲، ص ۷۷).

۲. بند ۲ اصل ۳ قانون اساسی.

۳. بند ۴ اصل ۳ قانون اساسی.

۴. اصل ۳۰ قانون اساسی: داشتن مسکن متناسب با نیاز حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند، به‌خصوص روستائین و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

۵. اصل ۲۹ قانون اساسی: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازتنستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، دراهماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت‌های مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

۶. بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی: تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

اختیار قرار دادن وسایل کار^(۱) وظیفه‌ی دولت خوانده شده است.

براساس آموزه‌ها و تعالیم دینی، تأمین نیازهای اساسی خانواده‌ها به اندازه‌ای مهم است که اهمال در آن دستیابی به هدف آفرینش^(۲) را - که همان عبودیت و بندگی است - غیرممکن می‌کند. در قرآن کریم بارها به فراهم آمدن نیازهای اساسی به‌خصوص معاش مردم در زمین اشاره^(۳) و بر تقسیم معیشت میان آنان تأکید شده است که بیان‌کننده‌ی حق هر فرد در برخورداری از معاش و ابزار گذران زندگی است. علاوه بر قرآن کریم، در سنت و سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام نیز همواره به تأمین نیازهای اساسی خانواده‌ها تأکید ویژه شده است، به‌طوری‌که هنگامی که امام علی علیه‌السلام حکومت را به‌دست گرفت، تأمین نیازهای اساسی در راستای رفاه عمومی را هدف اقتصادی دولت خود اعلام داشت و به والیان خود در سرزمین‌های دیگر تأکید کرد که در جهت تأمین این نیازها کوشا باشند. در همین زمینه امام علی علیه‌السلام در نامه‌ی خود به مالک اشتر تأمین نیازهای اساسی و رفاه عمومی خانواده‌ها را وظیفه حاکم اسلامی برمی‌شمارد.^(۴)

بند دوم: فراهم آوردن مقدمات ازدواج آسان

از وظایف دولت و جامعه در مسئله‌ی ازدواج، فراهم ساختن مقدمات ازدواج است. دولت اسلامی به اعتبار اینکه مسئولیت حفظ سلامت جامعه (سلامت اخلاقی، اجتماعی و نفسانی جامعه) را بر عهده دارد و نیز تشکیل نهاد خانواده به‌وسیله‌ی ازدواج به‌موقع، از بروز بسیاری از معضلات اجتماعی جلوگیری می‌کند و سلامت جامعه را در پی دارد، باید به‌طور جدی در این خصوص اقدام کند.

۱. بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی: تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند.

۲. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِعِبَادُونِي؛ مَنْ جَنَّ وَانْسٍ رَا نِيَا فَرِيدَمْ جَزْ بَرَا بَرَا اَيْنَكْ عِبَادَتَمْ كَنَنْد.» (ذاریات: ۵۶).

۳. «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ»؛ «ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم اما کمتر شکرگزاری می‌کنید.» (اعراف: ۱۰).

۴. «فی الله لکل سعه، و لکل علی الوالی حق بقدر ما یصلحه؛ نزد خدای تعالی برای تمام مردم گشایش و رفاه قرار داده شده است و تمام مردم بر حاکم حق دارند که امور زندگی آنان را سامان دهد.» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳).

در این زمینه در قرآن کریم، فراهم آوردن مقدمات ازدواج وظیفه‌ی افراد، جامعه و دولت بیان شده و در این مورد متذکر می‌شود برچیدن بساط گناه، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرایز عمل شود. «وَأَنْكَحُوا الْأَيَّامَ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ»، مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را.^(۱)

در آیه‌ی شریفه «ایامی» جمع «ایم» در اصل به معنای زنی است که شوهر ندارد، سپس به مردی که همسر ندارد نیز گفته شده است، و به این ترتیب تمام زنان و مردان مجرد در مفهوم این آیه داخل‌اند؛ خواه بکر باشند یا بیوه.^(۲) واژه‌ی دیگر تعبیر «انکحوا» (آن‌ها را همسر دهید) است؛ مفسران بزرگ قرآن کریم در این زمینه معتقدند با اینکه ازدواج امری اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومش این است که مقدمات ازدواج آن‌ها را فراهم سازید، از طریق کمک‌های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسئله‌ی ازدواج، و در نهایت واسطه‌گری برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام‌پذیر نیست. در نتیجه مفهوم آیه به‌حدی وسیع است که هر گونه قدم و سخن یا مالی در این راه را شامل می‌شود.^(۳) پس از بیان معنای «انکحوا» این سؤال مطرح می‌شود که مخاطب امر «انکحوا» در این آیه چه کسانی را شامل می‌شود و آیا دولت را می‌توان مورد خطاب آیه‌ی شریفه دانست یا خیر؟ در جواب باید گفت بنابر اطلاق و عمومیت آیه‌ی شریفه، هم مردم و خانواده‌ها و هم دولت و حکومت را می‌توان مورد خطاب آیه دانست؛ در توضیح باید گفت فرمان‌های متعددی از قرآن کریم مانند اجرای حدود^(۴) و اقامه‌ی نماز،^(۵) امر به معروف و نهی از منکر^(۱) و غیره، به گونه‌ای عام صادر شده که خطاب

۱. نور: ۳۲.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، همان، ج ۱۴، ص ۴۵۷.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۴۵۷.

۴. «الرَّائِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدُ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»، «هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند.» (نور: ۲).

۵. «الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ

به یک یک مسلمانان است. هرچند خطاب آیه به عموم مسلمانان است، روشن است که نمی توان گفت که مردم هر یک مستقیماً می توانند به دستورهای یادشده عمل کنند و هر کس خود، عهده دار اجرای احکام الهی شود. از این رو باید گفت هرچند این دسته خطاب های قرآنی به عموم مسلمانان است، این خطاب اطلاق دارد و عموم آحاد جامعه ی اسلامی و از جمله کارگزاران نظام اسلامی به خصوص حاکم اسلامی را نیز شامل می شود. اهمیت این مسئله ناشی از این است که با توجه به قدرت و مسئولیت حاکم جامعه ی اسلامی، وی بیش از سایر شهروندان، مکلف به اجرای حاکم اسلامی است. از این رو هرچند در آیات قرآنی،^(۲) در نگاه نخست امر «أَنكحُوا» متوجه آحاد مسلمانان و خانواده هاست، مجری آن دستگاه حاکمیت و حکومت است که مردم مسئولیت برپایی، تقویت و همکاری با آن را در اجرای این دسته از احکام بر عهده دارند. علاوه بر آیه ی شریفه، در روایات منقول از اهل بیت (علیهم السلام) نیز بر امر فراهم آوردن مقدمات ازدواج به خصوص واسطه گیری در ازدواج تأکید فراوانی شده است.^(۳)

بنابراین براساس اصل ۱۰ قانون اساسی فراهم آوردن مقدمات ازدواج آسان برای

- عاقبةُ الْأُمُور؛ «همان کسانی که هر گاه در زمین به آن ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه ی کارها از آن خداست.» (حج: ۴۱).
۱. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن ها همان رستگارانند.» (آل عمران: ۱۰۴).
۲. «وَأَنكحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ؛ «عزب های تن را و غلامان و کنیزان خود را که شایسته باشند همسر دهید.» (نور: ۳۲).
۳. روایت اول: «أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا؛ «بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج میانجیگری کنی، تا این امر به سامان برسد.» (کلینی، الکافی، همان، ج ۵، ص ۳۳۱).
- روایت دوم: «ثَلَاثَةٌ يَسْتَظِلُّونَ بِظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ، رَجُلٌ زَوْجُ اخَاهِ الْمُسْلِمِ أَوْ اخِمْهُ، أَوْ كَتَمَ لَهُ سِرًّا سَهً طَائِفَةً أَنْدَكَ فِي رَوْحِ قِيَامَتِهِ فِي سَايَةِ عَرْشِ خُودِ قَرَارِ دَارْتِ، رَوْحِي كِه سَايَةِ اِي جَز سَايَةِ اِي اُو نِيَسْت: كُسي كِه وَسَايِلَ تَرْوِيحِ بَرَادَرِ مُسْلِمَانِ رَا فَرَاهِمَ سَاَزَد، وَ كُسي كِه بَه هَنگَامِ نِيَازِ بَه خَدْمَت، خَدْمَت كُنْدَه اِي بَرَايِ اُو فَرَاهِمَ كُنْد وَ كُسي كِه اَسْرَارِ بَرَادَرِ مُسْلِمَانَش رَا پَنَهَانِ دَارَد.» (همان، ج ۷، ص ۱۰۲).

افراد مجرد خواه بکر باشد یا بیوه علاوه بر اینکه مسئولیت همگانی است و از وظایف افراد و خانواده هاست، به دلیل اطلاق آیهی شریفه و آثار و فواید فراوان مترتب بر ازدواج از مهم ترین وظایف دولت اسلامی است و در این زمینه دولت موظف است از طریق کمک های مالی، شناسایی همسر مناسب، واسطه گری در ازدواج و تشویق به ازدواج و... مقدمات تشکیل خانواده و ازدواج آسان را فراهم کند.

همچنین براساس اصول دیگر قانون اساسی^(۱) و اصول مسلم دینی،^(۲) تأکید بر تأمین مقدمات ازدواج برای مسلمانان توسط حکومت اسلامی، مانع از امکان و هموار ساختن ازدواج برای غیرمسلمانانی که در جامعه و حکومت اسلامی به عنوان شهروندان نظام اسلامی زندگی می کنند و در حمایت دولت و ملت مسلمان هستند، نیست و غیرمسلمانان در پناه جامعه ی اسلامی، همان گونه که از دیگر حمایت ها و خدمات مادی و معنوی مسلمانان و حکومت اسلامی برخوردارند، شایسته و در مواردی لازم است همانند مسلمانان در تشکیل خانواده یاری شوند.

گفتار سوم: پاسداری از قداست خانواده

براساس اصل ۹ قانون اساسی پاسداری و حفاظت از قداست نهاد خانواده از وظایف اساسی دولت به شمار می رود. قداست از ریشه ی «قدس» به معنای پاک، طیب و منزله از هر گونه پلیدی و زشتی است.^(۳) قداست و پاکیزگی نهاد خانواده به حدی است که در اسلام با هیچ نهاد دیگری قابل مقایسه نیست.^(۴)

از مبانی قداست خانواده در اسلام، حفظ کرامت انسانی و گسترش مهر و محبت و مودت انسان هاست که باید این کرامت و مهر و محبت به داخل محیط خانواده نیز تسری یابد. بر همگان به خصوص دولت اسلامی است که از هر گونه اقدامی که موجب شود بر قداست و پاکی نهاد خانواده خدشه وارد شود، جلوگیری به عمل

۱. اصل ۱۴ قانون اساسی.

۲. از جمله ی این اصول می توان به اصل انصاف، اخلاق حسنه، احسان و نیکوکاری، عدالت و غیره اشاره کرد.

۳. ابن منظور، لسان العرب، همان، ج ۶، ص ۱۶۸.

۴. «ما بنی بناء فی الاسلام احب الی الله تعالی من التزویج؛ در اسلام بنیادی نهاده نشده است که در نزد خداوند، از ازدواج، محبوب تر باشد.» (صدوق، ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۸۳).

آید.^(۱) از جمله اقداماتی که بر قداست خانواده‌ها خدشه وارد می‌کند، رعایت نکردن حریم عفاف و اشاعه‌ی فساد و فحشاست. از این رو قداست خانواده سد محکمی در برابر سوء استفاده‌ی جنسی از زنان به‌عنوان یک کالا یا ابزار فروش کالا و در واقع، مانع بردگی نوین زن است.

در آیات متعددی در قرآن به ضرورت حفاظت از پاکی و قداست نهاد خانواده تأکید فراوان شده است؛ از جمله آیاتی که به‌صراحت به این مسئله اشاره دارد، آیه‌ی ۶ سوره‌ی تحریم است،^(۲) در این آیه‌ی شریفه خداوند به‌سبب پاکی و قداست خانواده مؤمنان دستور می‌دهد علاوه‌بر خویشتن، خانواده‌ی خود را از هر گونه آلودگی و پلیدی محافظت و نگهداری کنند.^(۳)

۱. «ازدواج یک جنبه‌ی قدسی دارد؛ این جنبه‌ی قدسی را نباید از آن گرفت. گرفتن جنبه‌ی قدسی به همین کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه‌ی ما رایج شده. این مهریه‌های سنگین به خیال اینکه می‌تواند پشتوانه‌ی حفظ خانواده و حفظ زوجیت باشد، تعیین می‌شود؛ درحالی‌که این‌جور نیست. حداکثر این است که شوهر از دادن امتناع می‌کند، می‌بردش زندان؛ یک سال، دو سال زندان می‌ماند. در این اقدام، به زن چیزی نمی‌رسد؛ او بهره‌ای نمی‌برد، جز اینکه کانون خانواده‌اش هم متلاشی می‌شود. اینکه در اسلام از حضرت امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمود ما دخترانمان و خواهرانمان و همسرانمان را جز با مهرالسنة عقد نکردیم، به خاطر این است؛ والا می‌توانستند. اگر امام حسین علیه السلام می‌خواست مثلاً با هزار دینار هم عقد بکند، می‌توانست؛ لازم نبود مثلاً با پانصد درهم - دوازده‌نیم اوقیه - مقید به این کار بشود. آن‌ها می‌توانستند، اما کمش کردند. این کم کردن، با یک محاسبه است؛ این خیلی خوب است. یا همین تشریفات زائد ازدواج - خرج‌های زیاد، مجالس متعدد - که واقعاً انسان دلش می‌گیرد وقتی میشوند. این‌ها از آن مواردی است که گفتمان‌سازی می‌خواهد. خانم‌های مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه، روحانیون، بخصوص صدا و سیما و رسانه‌ها باید در این زمینه‌ها کار کنند؛ این را از این حالت بیرون بیاورند.» (بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظُ شِدَادٍ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَلَا يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده‌ی خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به‌طور کامل) اجرا می‌نمایند.» (تحریم: ۶).

۳. نگهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، همان، ج ۲۴، ص ۲۸۶).

از جمله آیات دیگری که بر حفظ قداست و پاکی خانواده‌ها اشاره دارد، آیاتی است که به لزوم پرهیز از فساد و فحشا دلالت می‌کند. در آیه‌ی ۱۵۱ سوره‌ی انعام به منظور حفظ نهاد خانواده، علاوه بر تصریح بر پذیرش حاکمیت الهی و شرک نورزیدن، احسان و عدالت نسبت به پدر و مادر به عنوان ارکان تشکیل دهنده و قوام خانواده، به لزوم اجتناب ورزیدن از گناهانی که نهاد خانواده را به مخاطره می‌اندازد نیز اشاره شده است.^(۱) از این رو قداست نهاد خانواده اقتضای می‌کند تا - مطابق همه‌ی ادیان و مذاهب و فرق - تشکیل خانواده و ازدواج امری عرفی و صرفاً قراردادی مانند سایر قراردادها نباشد، بلکه تشکیل خانواده توأم با آداب و تشریفات مذهبی باشد. از جمله‌ی این تشریفات در دیدگاه فقها می‌توان به خواستگاری،^(۲) ولیمه دادن،^(۳) خواندن صیغهی عقد به زبان عربی^(۴)، ازدواج با دختر باکره^(۵)، ازدواج با دختر عقیقه^(۶) و... اشاره کرد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اصل ۱۰ در اصول دیگری^(۷) نیز بر

۱. «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ (بگو: بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید! و فرزندان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر بحق (و از روی استحقاق) این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید.) (انعام: ۱۵۱).

۲. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چ هفتم، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۴۲۹.

۳. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک‌الافهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۲۵.

۴. حلی، محقق، نجم‌الدین جعفر بن محمد، شرایع الاسلام، قم، مؤسسه‌ی اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق، ج ۲، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۵. «تَزَوَّجُوا الْأَبْكَارَ فَإِنَّهُنَّ أَطْيَبُ شَيْءٍ أَفْوَها، وَ أَدْرَ شَيْءٍ أَخْلافا، وَ أَحْسَنُ شَيْءٍ أَخْلافا، وَ أَفْتَحُ شَيْءٍ أَرْحَامَ» (کلینی، الکافی، همان، ج ۵، ص ۳۳۴).

۶. حلی (علامه)، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵.

۷. بند ۱ اصل ۳ قانون اساسی، اصل ۲۱ قانون اساسی.

لزوم حفظ احترام، کرامت و قداست خانواده‌ها و جلوگیری از فساد و تباهی آن تأکید کرده است. همچنین در راستای حفظ قداست خانواده‌ها، قوانین جمهوری اسلامی ایران (مدنی و کیفری) آن دسته از رفتارهایی را که کیان و بقای خانواده و قداست و حیثیت و شئون خانوادگی یا افراد خانواده را تهدید می‌کنند یا استواری روابط خانوادگی را متزلزل می‌کنند یا در نسب و توالد و تناسل آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارند، جرم‌انگاری کرده است. از آن دسته از جرایمی که ارتکاب آن‌ها کیان و بقای خانواده را تهدید می‌کند و حفظ کلیت خانواده را به مخاطره می‌اندازد، می‌توان به ازدواج با زن شوهردار یا زن در عده‌ی دیگری، فریب در ازدواج و ... اشاره کرد.

گفتار چهارم: استحکام بخشیدن به نهاد خانواده

اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استواری و استحکام بخشیدن به نهاد مقدس خانواده را از وظایف دولت برشمرده است. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده به تعبیر قرآن به سکونت رسیدن اعضا باشد، لازم است که همه‌ی رفتارها و تعاملات در راستای تحقق این هدف باشد و از این‌رو، قانون اساسی مبنای استواری و استحکام بنیان خانواده را مراعات اخلاق و حقوق اسلامی معرفی کرده است. جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها و طلاق، از جمله حمایت‌هایی است که دولت موظف است در راستای استوارسازی و تحکیم نهاد خانواده داشته باشد؛ در اسلام پدیده‌ی طلاق به‌حدی شوم و ناپسند است که مبعوض‌ترین حلال خوانده شده^(۱) و جلوگیری از آن بسیار ضروری است. ضرورت استحکام بنیان خانواده و جلوگیری از فروپاشی نهاد خانواده با طلاق به‌حدی است که در قرآن کریم^(۲) و

۱. «مَا مِنْ شَيْءٍ أُنْفَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يَغْرُبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ يَعْنِي الطَّلَاقُ» «در نزد خداوند چیزی مبعوض‌تر از خانه‌ای که به‌سبب طلاق ویران شود وجود ندارد.» (کلینی، الکافی، همان، ج ۵، ص ۳۲۸). در روایت دیگر آمده است: «وَلَا تُطْلَقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَزُّ مِنْهُ الْعَرْشُ» همسران خود را طلاق ندهید که عرش خداوند از این عمل به لرزه می‌آید.» (حر عاملی، وسائل الشیعه، همان، ج ۲۲، ص ۹)، البته فقها نیز بر این اساس طلاق را از مبعوض‌ترین حلال‌ها دانسته‌اند. (نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، همان، ج ۲۹، ص ۱۲).

۲. «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَاهُ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» «و چگونه آن را باز پس می‌گیرید، درحالی‌که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته‌اید؟ و (از این گذشته) آن‌ها (هنگام ازدواج) از شما پیمان محکمی گرفته‌اند.» (نساء: ۲۱).

روایات^(۱) از ازدواج با عنوان میثاق غلیظ و محکم یاد شده^(۲) است، از این رو نظام حقوقی اسلام به منظور جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها و طلاق اجازهی جدایی را به سرعت و آسانی نمی‌دهد، بلکه تدابیر ویژه‌ای را در نظر گرفته است که از مؤثرترین و مهم‌ترین آن می‌توان به معاشرت نیکو و شایسته‌ی زوجین با یکدیگر اشاره کرد.^(۳)

از جمله تدابیر دیگری که برای استواری نهاد مقدس خانواده در قرآن کریم بیان شده، تشکیل محکمه‌ی صلح خانوادگی است. براساس آیات قرآن کریم،^(۴) در صورت بروز نشانه‌های شکاف و جدایی میان دو همسر، برای بررسی علل و دلایل ناسازگاری و فراهم کردن مقدمات صلح و سازش، یک داور و حکم از فامیل مرد و یک داور و حکم از فامیل زن انتخاب شوند تا بین زوجین صلح و آشتی برقرار کنند.

اهمیت استواری روابط خانوادگی در اسلام به‌حدی است که چنانچه به هر دلیلی بین زوجین صلح و آشتی به‌وجود نیامد و سیغهی طلاق جاری شد، باز نیز امکان رجوع برای مرد وجود دارد^(۵) که این‌گونه طلاق‌ها در اصطلاح فقهی طلاق رجعی

۱. «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ أَخَذَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا قَالَ الْمِيثَاقُ هِيَ الْكَلِمَةُ الَّتِي عُقِدَ بِهَا النِّكَاحُ» (کلینی، الکافی، همان، ج ۵، ص ۵۶۱).
۲. مراد از میثاق غلیظ، همان علقه‌ای است که عقد ازدواج و امثال آن در بین آن دو محکم کرده بود (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، همان، ج ۴، ص ۴۰۸).
۳. «وَ عَاشِرُوهُمْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُمْ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُحِبَّ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»؛ «و با آنان، به‌طور شایسته رفتار کنید! و اگر از آن‌ها، (به جهتی) کراهت داشتید، (فورا تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد.» (نساء: ۱۹).
۴. «وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا»؛ «و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده‌ی شوهر، و یک داور از خانواده‌ی زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آن‌ها کمک می‌کند زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیات همه، با خبر است).» (نساء: ۳۵).
۵. «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِخْسَارٍ وَ لَا يَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يَقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يَقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ «طلاق، (طلاقی که رجوع و بازگشت دارد)، دو مرتبه است (و در هر مرتبه)، باید به‌طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود). و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آن‌ها داده‌اید، پس بگیرید مگر اینکه دو همسر، بترسند که حدود الهی را برپا ندارند. اگر بترسید که حدود الهی را

خوانده می‌شود. همچنین براساس تعالیم قرآن کریم چنانچه به هر صورت بین زن و مرد جدایی افتد، نمی‌توان ایشان را از تشکیل خانواده منع کرد.^(۱) دادن حق طلاق به دست مرد به دلیل ویژگی‌های جنسیتی زوجین نیز از دیگر تدابیری است که در اسلام برای استواری نهاد خانواده بدان اشاره شده است.

جمع‌بندی

نظام حقوقی اسلام به‌عنوان مکتبی انسان‌ساز با اصل و محور قرار دادن کانون خانوادگی، بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت، مهد مودت و رحمت دانسته و به‌منظور حفظ و حراست دقیق و مستمر از آن، قوانین جامعی را در این زمینه وضع کرده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به تبعیت از آموزه‌های دینی به نهاد مقدس خانواده نگاه ویژه‌ای شده است؛ ثابت بودن، مقدس بودن، فرا زمانی و مکانی بودن خانواده، برتر بودن و متفاوت بودن آن از سایر واقعیت‌های اجتماعی سبب شده است که در قانون اساسی توجه به نهاد خانواده از موضوعاتی که صرفاً باید در حقوق خصوصی بدان پرداخته شود، خارج شده، و به‌صورت موضوعی اساسی درآید و در حوزه‌ی مسائل حقوق عمومی قرار گیرد و دولت‌ها را به اقدامات حقوقی متعددی وا دارد که از مهم‌ترین این وظایف می‌توان به تنظیم قوانین و مقررات خانواده بر پایه‌ی اخلاق و حقوق اشاره کرد. از جمله وظایف دیگر دولت در قبال خانواده براساس قانون اساسی، پاسداری از قداست خانواده، استواری و استحکام بخشی خانواده و حمایت از نهاد خانواده است که این وظایف باید بر پایه‌ی حاکمیت اخلاق و حقوق باشد.

رعایت نکنند، مانعی برای آن‌ها نیست که زن، فدیة و عوضی بپردازد (و طلاق بگیرد). این‌ها حدود و مرزهای الهی است از آن، تجاوز نکنید! و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است.» (بقره: ۲۲۹).
 ۱. «وَ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبَقْنَّ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضِلُوهُنَّ أَنْ يَكُنَّ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمَ آيَةُ كَرَمِ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ و هنگامی که زنان را طلاق دادید و عده خود را به پایان رساندند، مانع آن‌ها نشوید که با همسران (سابق) خویش، ازدواج کنند! اگر در میان آنان، به طرز پسندیده‌ای تراضی برقرار گردد. این دستوری است که تنها افرادی از شما، که ایمان به خدا و روز قیامت دارند، از آن پند می‌گیرند (و به آن عمل می‌کنند). این (دستور)، برای رشد (خانواده‌های) شما مؤثرتر، و برای شستن آلودگی‌ها مفیدتر است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.» (بقره: ۲۲۳).

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود
را ایفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir